

یک شاخه گل برنامه شماره ۳۱۶ خواننده شهیندخت شبیری، یولین هایون خرم، دریات زند.

کوینده خانم از رادیو:

یک شاخه گل برنامه شماره ۳۱۶

ارکستر گلماسر آهنگی را دریات زند اجرامی کند.

آذرشوبش: (شعر از فروغی بطامی)

کی رفته ای ز دل که تنگنم تورا کی بوده ای نهفته که پیداکنم تورا

ارکستر همچنان ادامه می دهد.

کی رفته ای ز دل که تنگنم تورا	کی بوده ای نهفته که پیداکنم تورا
غیبت نگرده ای که شوم طلب حضور	پنهان گمشته ای که هویداکنم تورا
با صد خزار جلوه برون آمدی که من	با صد خزار دیده تا شناکنم تورا
رسوای عالمی شدم از شور عاشقی	ترسم خدا نخواسته رسواکنم تورا
بالای خود آینه چشم من بین	تا با خبر ز عالم بالاکنم تورا

آقای هایون نغانی دریات زند می نوازند.

ایمانی که شنید چندیتی بود از شاه غزل فروغی بطامی ششسرای مشهور قرن سیزدهم.
از فروغی بطامی در برنامه های مختلف گلماسر شنیده اید و البته می دانید که بدو اسکین
تخلص می کرد و پس از سفری که با دوست شاعر خود متخلص به حبیب به خراسان نمود،
به مناسبتی خود به فروغی تخلص جست و حبیب به قآنی.

ارکستر گلماسر آهنگی را دریات ترک اجرامی کند.

اندوه تو شد وارد کاشانه ام امشب همان عزیز آمده در خانه ام امشب
از من بگریزد که می خورده ام امروز با من نشیند که دیوانه ام امشب

شعر فروغی بطامی از نظر انجام و زیبایی کلام و مفاهیم بلند عرفانی گاه چنان می درخشند
که کوئی بر توانافض کلام فاخر سرایندهگان عرفانی متقدم است.

یک شب آخر دامن آه سحر خواهیم گرفت داد خود را زان مه بیدادگر خواهیم گرفت
نعره ما خواهیم زد و در بحر و بر خواهیم فتاد شعله ما خواهیم شد و در خشک و تر خواهیم گرفت
یا بهار من رو بر خزان خواهد نهاد یا بحال قامت او را به بر خواهیم گرفت

آقای همایون خرم و نوازنده ضرب، همچنان به نوازندگی ادامه می دهند.

یا بحال قامت او را به بر خواهیم گرفت

آقایان همایون خرم و نوازنده ضرب، همچنان صاحب دلان را محظوظ می دارند.

با صد خزار جلوه برون آمدی که من با صد خزار دیده تا سنا کنم تورا
رو سای عالمی شدم از شور عاشقی ترسم خدا نخواسته ز سوا کنم تورا

اجرای ترانه: (شعر از ابوالحسن ورزی)

به دامن شب با تمام حرم، ستاره باره از چشمم ترم چون نقش درخت نمی شود دور از نظرم
محو تو شدم چنان که از خود بی خبرم

ز آه سوزانم بی خبری، ز خرمن جانم چون شوری ای آفت جان چه می کنی باد شدگان
از تو نبود نصیب ما جز اشک روان

تو حال من می دانی، بیای گل چرا ز خود می رانی، مرا ای گل
چرا تو از خاطر بردی یادت مگر چرا شک از چشمت افتادم

من ناله کنم ز عشق تو چون مرغ سحر
تو خنده زنی به ناله ام همچون گل تر
از سکنج غم با در فغان و آه
دل به عشق تو دادم این بود کناهم
ز آتش عشقت چرانوزم
به درد و داغ عاشقی چرانسازم
چرانیزم به خاک راهت دردم را

به دامن شب با ما سحرم، ستاره بارداز چشمم ترم چون نقش درخت نمی شود دور از نظرم
محو تو شدم چنان که از خود بی خبرم

آذرشوش:

کنون که صاحب مریگان شوخ و چشم سیاهی نگاه دارد ولی را که برده ای به کنجایی

کوینده خانم از رادیو:

شاخه گلکی که نثار شد شماره ۳۱۶ بود که با صدای خانم شهیندخت در
استودیوی کلمات تنظیم گردیده، اشعار از فروغی بطامی شاعر قرن سیزدهم. ترانه از آقای
ابوالحسن ورزی، ویولن و آهنگ در یاد میات زند از آقای مهندس بایون خرم، کوینده آذ
پرشوش.

مدت اجرای برنامه ۱۴ دقیقه و ۳۲ ثانیه است.

توضیحات:

آنچه به دوستان علاقه مند تقدیم شد شاخه گل شماره ۳۱۶ بود که با این مشخصات
محفوظ مانده است. معرفی برنامه نسبتاً جامع است و فقط از نوازنده ضرب که با آقای بایون
خرم در مواقعی همکاری داشته سخن گفته شده. اجرای ترانه فقط همراه با ویولن بوده و بر
خلاف دیگر ترانه ها ارکستر شرکت نداشته، از این خواننده کمی دو اثر بیشتر در گلهما اجرا
نشده و صدای چندان گرمی هم نداشته. مخصوص این اجرا بسیار بی روح است. مخصوصاً
این که شعر ترانه هم تعریفی ندارد، ولی بهر جهت از نظر تاریخ موسیقی گلهما باید محفوظ بماند

توجه: کلیه مطالب مندرج در بالا توسط محقق محترم جناب استاد علیرضا دربندی تهیه شده که شامل بررسی کامل برنامه و توضیحات افزوده شده شخص ایشان می‌باشد. جای دارد که سپاس فراوانمان را نثار ایشان بنماییم زیرا که نتیجه سالها زحمات خویش را وقف عموم کرده اند. در خاتمه از دوستانی که جهت تصحیح و تکمیل این مطالب مایل به همکاری هستند تقاضامندم از طریق آدرس ایمیل Asheghane1golha@gmail.com با ایشان تماس حاصل نمایند.

مسعود نوین فرحبخش